



بررسی تأثیر نوع استراتژی کسب و کار بر مدیریت دانش

مهدی مهدی زاده رستم^۱، سیمین افشار^۲، نسرین نامدار^۳، فائزه دهقان خلیلی^۴

۱- گروه مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد لارستان، لارستان، ایران

۲- گروه مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد لارستان، لارستان، ایران (نویسنده مسئول)

۳- گروه مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد لارستان، لارستان، ایران

۴- گروه مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد لارستان، لارستان، ایران

چکیده

در دنیای امروز، دانش نه تنها به عنوان یک سرمایه محسوب می‌شود؛ بلکه به عنوان مهمترین سرمایه نیز برای سازمانها تلقی می‌شود. لذا در عصر دانایی که در آن دانش بسان مهمترین سرمایه محسوب می‌شود، سازمانها نیازمند رویکرد مدیریتی متفاوت نسبت به مسائل سازمان و کارکنان هستند. حفظ و نگهداری کارکنان سازمانها و پرورش ظرفیت یادگیری آنان نقش تعیین کننده ای در موفقیت و کسب مزیت رقابتی برای سازمان دارد. از طرف دیگر استراتژی مدیریت دانش در هر سازمان می‌بایست با استراتژی کسب و کار همسو باشد. بنابراین ضروری است پس از تعیین استراتژی کسب و کار، استراتژی مدیریت دانش متناسب با آن نیز به منظور حمایت و پشتیبانی از این استراتژیها، تعیین و ارئه گردد. عدم تناسب بین این دو دسته استراتژی می‌تواند موجب عدم اجرای موفقیت آمیز آنها گردیده و دستیابی به اهداف سازمان را با مشکل جدی مواجه نماید. هدف مقاله بررسی نقش استراتژی کسب و کار بر مدیریت دانش در سازمانها است که با استفاده از روش مطالعه کتابخانه ای و مرور ادبیات در زمینه‌های: کلیات کسب و کار و ابعاد اصلی و فرایند آن در سازمانها آغاز می‌شود و آنگاه با تأکید بر ضرورت استفاده از مدیریت دانش در سازمان، اجرا و مهارت‌های لازم برای ارتقای یک مدیریت استراتژی کسب و کار به این مهم پرداخته شده است. نتایج بررسی به طور کلی از اهمیت روزافزون نقش استراتژی کسب و کار در استقرار اثربخش مدیریت دانش حکایت دارد.

کلیدواژه: استراتژی کسب و کار، سازمان، مدیریت دانش، کارکنان